

پژوهش های نوین علوم انسانی

دو ماهنامه مطالعات میان رشته ای

سال سوم، شماره ۹، خرداد و تیر ۱۳۹۸



معافیت مالیاتی سلطان یعقوب آق قوینلو در خنج فارس

محمد ابونجمی^۱

یونس صادقی^۲

چکیده

سلطان یعقوب آق قوینلو در سال ۸۸۳ قمری سندی را دال بر معافیت مالیاتی املاک و اراضی برای اتباع خنج در جنوب فارس صادر می کند. این اراضی بعدها در قرن نهم و دهم جزء موقوفات عمده خنج قرار گرفت. سیاست سلطان یعقوب آق قوینلو در طول دوره حکومت داری اش مبتنی بر ایجاد صلح و آرامش و کم کردن بار اقتصادی از روی دوش مردم بود. در این راستا او معافیت های مالیاتی زیادی در اقصی نقاط کشور صادر کرد که از جمله آنها یک سند معافیت مالیاتی مربوط به خنج می باشد. این سند برای نخستین بار برای علاقمندان منتشر میشود.

کلمات کلیدی: آق قوینلو، سلطان یعقوب، معافیت مالیاتی، خنج، موقوفات

^۱ - دانشیار گروه فنی کشاورزی، پردیس ابوریحان، دانشگاه تهران

^۲ - دانشجوی دکتری بنیاد ایرانشناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران

سلطان یعقوب آق قوینلو به لحاظ ویژگی شخصیتی توأم با صلح و آرامش که از آن برخوردار بود نسبت به علما، بازرگانان، اصناف، و قشرهای تاثیر گذار جامعه همواره با احترام برخورد می کرد. سیاست سلطان یعقوب آق قوینلو در طول دوره حکومت داری اش مبتنی بر ایجاد صلح و آرامش و کم کردن بار اقتصادی از روی دوش مردم بود. چرا که با فوت پدرش اوزون حسن، مردم دچار مشکلات اقتصادی زیادی شده بودند. او اصلاحات اقتصادی را در سراسر کشور به وسیله وزیر توانایش قاضی عیسی ساوجی انجام داد. در این راستا او معافیت های مالیاتی زیادی در اقصی نقاط کشور صادر کرد که از جمله آنها یک سند معافیت مالیاتی مربوط به خنج در جنوب ایالت فارس می باشد که در آن زمینها و املاک متعلق به شیخ محمد ابونجم از عرفای به نام قرن هشتم و اوایل قرن نهم را از مالیات معاف می کند. لازم به ذکر است که بر طبق وقف نامه ای که در سال ۱۱۲۲ هجری قمری تنظیم شده بود بخش بزرگی از این اراضی وقف بر بقعه و مسجد شیخ حاج محمد ابونجم شده است.^۱ از جمله دلایل گسترش این نوع اوقاف به قول لمتون «ناامنی و عدم امنیتی بود که در مالکیت ارضی به وجود آمد. صاحبان املاک با وقف نمودن ضیاع و عقار خود می خواستند آن را از غصب و مصادره دولت دور نگهدارند تا احفاد آنها از منافع و درآمد این املاک در مقام متولیان آن بهره بگیرند. خرده مالکان هم با وقف املاک خود به بقاع متبرکه در پی تحصیل حمایت بودند. یک وقف زمانی به وجود می آمد که از دخالت دولت در آن امور جلوگیری به عمل آید؛ حتی در این رهگذر اموال خصوصی هم که انتظار حیف و میل آن می رفت، به صورت وقف در می آمد. وقتی که ملکی به صورت وقف در می آمد دیگر غیر منقول بود و ظاهراً سرمایه آن و نیز روشی که درآمدش از طریق آن صرف می شد، از نظارت دولت بیرون می رفت. البته واقف هم آزادی عمل خود را با این کار محدود می ساخت، ولی آنچه برای او اهمیت داشت تحدید حدود قدرت حکومت نسبت به املاکش بود. در راه اندازی اوقاف یک انگیزه سیاسی نیز وجود داشت. واقفان با این کار در پی کسب احترام و مکرمت و به دنبال آن پیروان و نفوذ بودند. بهره برداران اصلی اوقاف خیر، علما بودند، چه به صورت بهره برداری مستقیم و چه در مقام متولی و مامورین اوقاف؛ آن احکام، مامورین دولتی و افرادی که در حفظ و حراست ابواب الخیر به علما کمک می کردند، در جای خود و در ایام نیاز، انتظار کمک داشتند. علما نیز در جای خود به تداوم اوقاف علاقمند بودند و از این طریق در نظام موجود زراعت و مالکیت ارضی دخالت می کردند» (لمتون، ص ۱۷۰). در راستای تحلیل لمتون از نظام وقف در ایران، اراضی شیخ ابونجم هم در همین زمزه قرار میگیرد چرا که با توجه به دوری خنج از مرکز قدرت و ارتباط ضعیف بین مردم منطقه و حاکمان این احتمال داده میشود این اراضی که توسط سلطان یعقوب آق قوینلو از مالیات معاف گردیده بود توسط حاکمان ضبط گردد. از همین روی پیروان شیخ ابونجم از طریق وقف این اراضی هم این اراضی را حفظ کردند و هم از دخالت دولت در سهم محصولات آن (غالباً خرما و غله) کاستند. به همین دلیل سیر تاریخی این اراضی که ابتدا توسط آقوینلوها از معافیت مالیاتی برخوردار می گردد و سپس جزء موقوفات در می آید از اهمیت خاصی برخوردار می گردد.

^۱ - برای اطلاعات بیشتر نک: ابونجمی، صادقی، « بازخوانی یک وقف نامه در خنج فارس»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال بیست و چهارم، تابستان ۱۴۳۷/۹۵، شماره ۹۴، صص ۱۴۱-۱۶۴

در مقاله حاضر ابتدا به معرفی جغرافیای تاریخی خنج پرداخته، و در ادامه این سند معافیت مالیاتی برای نخستین بار معرفی می‌گردد.

جغرافیای تاریخی خنج:

خنج مرکز شهرستانی به همین نام است که در ابتدای دشتی نسبتاً وسیع در کوهپایه های زاگرس جنوبی قرار گرفته است. فاصله آن تا خلیج فارس، ۹۰ کیلومتر و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۰۴۴ متر می باشد. شهر خنج در ۲۷ درجه شمالی و ۵۲ درجه شرقی واقع شده و حدود آن از شمال به «قیروکارزین»، از مشرق به «جویم» و «اوز» و از جنوب به «علامرودشت» می رسد. این شهر در راه اصلی شیراز به لار و در فاصله ۱۰۶ کیلومتری شهرستان لار قرار گرفته است. (وثوقی، ص ۱۱؛ نوری، ص ۱۴۸)

در منابع به صورتهای «هنگ» و «هونج» (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸؛ ص ۴۲۶)، «خنج بال» یا «خنج فال» (حدود العالم من المشرق الى المغرب، ۱۴۲۳، ص ۱۳۲؛ ابن بطوطه، ۱۴۳۰؛ ج ۱، ص ۱۵۲) «خنج وفال» (شبانکاره ای: ۱۳۷۶؛ ص ۲۱۸) «خنج»، «خوانج» (حسینی فسایی، ۱۳۸۲ ج ۲: ص ۱۳۰۲) آمده است. امروزه نام این شهر به صورت خنج (صورالقالیم، ۱۳۵۳، ص ۴۴؛ فرصت شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۸۸) کاربرد دارد. در مورد وجه تسمیه آن دو نظر متفاوت وجود دارد. حسینی فسایی (ص ۱۲۷) خنج را در اصل خَنگ به معنای گوشه و بیغوله دانسته که در طی زمان گاف به جیم تبدیل شده و در نهایت خُنج نامیده شده است. صورت اولیه آن «هنگ» از واژه اوستایی است اما به مرور به «هنج»، «خنج» و خنج تبدیل یافته است. (امین خنجی، ۱۳۸۶؛ ص ۱۱۶) در تذکره های قدیمی تعبیر «کنج خنج» به کار رفته است و در زبان محلی رایج در منطقه لارستان، کنج به معنای زاویه و خانقاه به کار برده می شود. از این رو به دلیل رواج تصوف و خانقاه ها و زاویه های متعدد در خنج پس از قرن ششم هجری، خنج به معنای گوشه نشینی و زاویه نیز در نظر گرفته شده است. (وثوقی، ۱۳۷۴؛ ص ۱۲). همچنین معنای شادی و جشن برای خنج با واقع شدن آن در مجاورت روستای «سده» در ۵ کیلومتری شمال خنج مطابقت دارد، چرا که جشن سده در محل این روستا برگزار می شده و احتمال دارد که نام خنج نیز به این منظور به کار رفته باشد (نوری، ۱۳۸۴؛ ص ۱۳۹). در روایتی دیگر (همان، ص ۱۴۱) پس از ورود اسلام به فارس وسقوط کاریان و آتشکده آذر فرنبغ، بسیاری از دانایان و پیشوایان به خنج عزیمت نموده و در جوار بزرگان و علمای اسلام تربیت شدند، از این رو خنج به «کُنج اولیا» معروف شد، اصطلاحی که امروزه نیز بین عامه مردم رواج دارد.

در منابع قدیمی، خنج به عنوان یکی از دهستانهای شش گانه بخش مرکزی شهرستان لار به حساب می آمد که از شمال به فیروزآباد و از جنوب به کوه گوه گردی می رسد. (ابن بلخی، ص ۳۳۸؛ صورالقالیم، ص ۴۴؛ فرصت الدوله شیرازی، ج ۲، ص ۶۸۸) به علاوه از منطقه گرمسیری در جنوب فارس است که فاصله اش تا شیراز ۲۶۵ کیلومتر است (خورموجی، ۱۳۸۰؛ ص ۹۰)

پژوهش های نوین علوم انسانی

آب و هوای آن گرم و خشک است. آب آشامیدنی این شهر از آب انبارها (برکه) تامین می شده و محصولات آن غلات، خرما، برنج، پنبه، تنباکو، کنجد و لبنیات بوده است (حافظ ابرو، ص ۱۲۸؛ اعتماد السلطنه، ج ۴، ص ۲۳۱۵؛ کیهان، ص ۲۳۱)

معرفی سند

اصل سند معافیت مالیاتی سلطان یعقوب اق قوینلو در خنج که بوسیله یکی از معتمدین محلی خنج در اختیار نگارنده قرار گرفته بدین شرح است:

لِأَمْرِ اللَّهِ وَ الشَّفَقَةِ الْمُعْجَزَاتِ الْمُحَمَّدِيَةِ وَ الدَّوْلَةِ الْبَائِنْدَرِيَّةِ لِقُوَّةِ الْأَحَدِيَةِ وَ الْعِنَايَةِ الصَّمَدِيَةِ
الْحُكْمُ لِلَّهِ

ابو الْمُظَفَّرُ يَعْقُوبُ بِهَادِرِ سُوْزُو^۲

حکام و عمال و متصدیان اشغال^۳ دارالملک شیراز و ولایات خصوصاً خنج بدانند که حسن اعتقاد و ارادت در شأن عالیجناب هدایت مآب تقوی آیات، شریعت شعار، طریقت و حقیقت دثار^۴، شیخ الاسلام الاعظم مرشد طوایف الامم داع^۵ الخلاق إلى سبيل الرشاد [د] هادی البرایا^۶ إلى طريق النّجاة و اسداد^۷، سالک مسالک الدّین، عارف اسرار الحق و یقین، الفائز من الله بهداء، شیخ دانیال و شیخ محب الدّین علی ابونجمی اعلی الله شأن ارشاده لتقواه، چون از قرار + + حاصل آمد مقرر فرمودیم که نشان حضرت خاقانی، فردوس مکانی، جنّت مآبی^۹، مغفرت آمانی را که در زمانه [عالیجناب مشار الی^{۱۰} شرف اصدار یافته بود]^{۱۱} مشتمل بر این که قریه بیگرد/۹ + + و صحاری بخش^{۱۲} و اشجار

۱- سند موجود رونوشت است و برخی کلمات در آن نقاشی شده است.

۲- به نقل از کتاب فارسنامه ناصری ص ۳۵۱.

۳- ج: شغل.

۴- لباس، جامه.

۵- مروج، مبلغ، دعوت کننده.

۶- ج: بریه: خلافت.

۷- راست کردار، حقیقت طلب.

۸- علامت «+» در رونوشت، به معنای ریختگی یا خوردگی اصل سند و یا ناخوانا بودن آن است.

۹- مرجع، بازگشت.

۱۰- «الیه» صحیح است.

۱۱- این قسمت در حاشیه نوشته شده است.

۱۲- دیم.

واهی بالتمام و اراضی قریه بنی^۱ علیا و سفلی مشهور است و جواهی و مراعی^۲ و نخيلات علی + + کران و محمد محمدان و محمد محمود منصوران و محمد عبدالله مرقه/؟ و برادران و حافظ محمد محمود لکره و برادران و درویش حسن فقیه و برادران و محمد سلیمان و برادران و فرزندان و مجاوران و اولاد ایشان که واقع است در دارالاولیاء خنج مکمل از بلوک خزرک و بوشکان/؟ بر عالیجناب مشارالی^۳ معاف و مسلم و مرفوع القلم باشد + و محرز و مساحت و خراج و منال و قسیمات و سهام و خیارجات حکمی و غیر حکمی و مزارعی و نخيلات + و مزروعی به عرض رساند و قدم و قلم کوتاه^۴ و کشیده دارند^۵ و اسم متعلقان و خادمان و بستگان عالی جناب مومی‌الیه^۶ داخل نوشته ننمایند [به امضاء همایون مقرون شناسند]^۷ و چیزی از ایشان نطلبند و همه ساله نشان و اوامر مجدداً محتاج ندانند به علت تفاوت و ... و تکالیف دیوانی اصلاً نقیر^۸ و قطمیر^۹ مزاحم و متعرض ایشان نشوند و زراعت در هر محلی که باشد بر عالی جناب مومی‌الیه + معاف دانند.

این موجب مقرر شناسند که جمیع مذکورات را دانسته و تحقیق فرموده ارادتی داشتیم تا حاصل آن در زاویه متبرکه‌ای احداث و انشا^{۱۰} شیخ الاسلامیت به مصرف رسانند.

عمال و مباشران اشغال این موجب مقرر دانسته تخلف نورزید و شکوه و شکایت دور شناسند و در عهده دانند.

تحریراً فی تاریخ جمادی الثانی سنه ۸۸۳ «محل امضا و مهر الوائق بالله^{۱۱} الملك الوالی یعقوب بن حسن بن علی»

۱- «نبی» نیز خوانده می‌شود.

۲- چراگاه.

۳- «مشارالیه» درست است.

۴- اصل: کوتاه.

۵- «قدم کوتاه و قلم کشیده دارند».

۶- اشاره شده به سوی او.

۷- این قسمت در حاشیه نوشته شده است.

۸- فرو رفتگی پشت هسته خرما «کنایه از کمترین ذره».

۹- پوسته نازک هسته خرما.

۱۰- احتمالاً «انشاءالله» می‌باشد.

۱۱- در اصل «الله» نوشته شده است.

پژوهش های نوین علوم انسانی

سلطان یعقوب میرزا [ابو المظفر ... حسن]^۱ بیگ پادشاه با عدل و داد از طبقه برامکۀ آق قوینلو^۲، از سنه ۸۸۳ در ایران و مغان و ارمن و آذربایجان و عراقین و فارس و کرمان سلطنت نمود و در سنه ۸۹۶ انتقال کرد. [سجلات:]

۱- ذا و اصله سیان الاحقر محمدرضا ابونجمی/؟/ [مهر:]

۲- سواد فوق با نسخه اصلی که ظاهراً مربوط به دوره یعقوب بن ازون حسن، از خاندان سلاطین آق قوینلو است و در نزد خانواده جناب شریعت مدار آقای محمدرسول قاضی زاده خنجی موجود است مطابقه شد و به استثنای قسمتهای ریخته شده و لایقرء که دارای این علامت است (+) با نسخه اصلی، اختلاف و مغایرت نداشته و ندارد.

نماینده معارف و اوقاف و ارستان [امضا:] [مهر:] [مهر:] (برای ملاحظه اصل سند رک: ضمیمه ش ۱)

^۱- این قسمت با مهر پنهان شده و احتمالی نوشته شده است.

^۲- اصل: قوینلو.

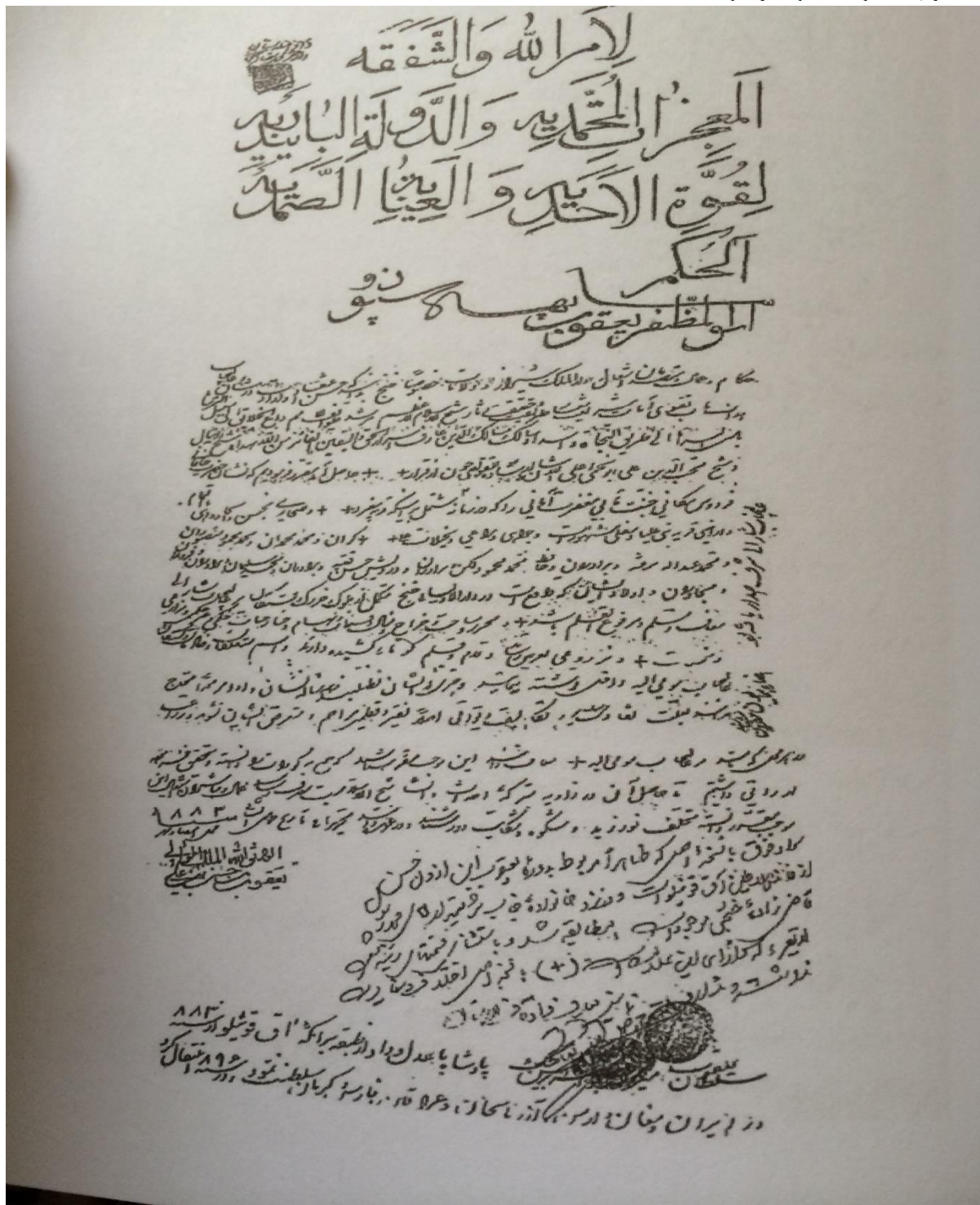
منابع و مآخذ

- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، رحلة ابن بطوطه، تصحيح عبدالهادی تازی، اکادیمیه المملکه المغربیه، ریاض، ۱۴۱۷
- ابن بلخی، فارس نامه، براساس متن مصحح لسترنج و نیکلسن، تهران، ۱۳۸۵
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن بن علی، مرآة البلدان، محقق: عبد الحسین نوایی، هاشم محدث، تهران، ۱۳۸۳
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوافی: جغرافیایی حافظ ابرو، ج ۲، تهران، ۱۳۷۸
- حدود العالم من المشرق الى المغرب، مصحح یوسف الهادی، دارالثقافیه للنشر، قاهره، ۱۴۲۳
- حسینی فسایی، میرزا حسن، فارسنامه ناصری، تصحیح دکتر رستگار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲
- خنجی، محمد امین، ترجمه محمدنامور، تحشیه محمدباقر وثوقی، مشاهیرنامی خنج، نشر و پژوهش فروزان روز، ۱۳۸۶
- خورموجی، میرزا جعفر خان حقایق نگار: نزهت الاخبار، تاریخ وجغرافیایی فارس، تصحیح و تحقیق سید علی آل داود، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۰
- شبانکاره ای، محمد بن علی بن محمد، مجمع الانساب، تصحیح میر هاشم محدث، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱
- صادقی، ابونجمی، «بازخوانی یک وقف نامه در خنج فارس»، وقف میراث جاویدان، سال بیست و چهارم، تابستان ۹۵، شماره ۹۴
- صورالاقالیم (هفت کشور)، بی نا، تصحیح دکتر منوچهر ستوده، بنیاد فرهنگ ایرانی، تهران، ۱۳۵۳
- فرصت شیرازی، محمد نصیر بن جعفر، آثارعجم، مصحح منصور رستگارفسائی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷
- کیهان، مسعود، جغرافیای مفصل ایران (سیاسی)، ابن سینا، تهران، ۱۳۱۱
- لمتون، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه دکتر یعقوب آژند، نشرنی، ۱۳۷۲
- محمود بن عثمان، فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۵۸

پژوهش های نوین علوم انسانی

نوری، محمد نور، خنج دارالاولیای فارس گنجینه فرهنگ و تمدن لارستان، انتشارات حضرت عباس (ع)، قم، ۱۳۸۴

وثوقی، محمدباقر، خنج گذرگاه باستانی لارستان، قم، ۱۳۷۴



سند معافیت مالیاتی سلطان یعقوب آق قویونلو در خنج (۸۸۳ قمری)